

ترجمه‌ای غیر رسمی و غیر نهائی از

بینش مشترک، اراده مشترک: انتخاب آینده جهانی مان با یکدیگر^۱

بیانیه جامعه جهانی بهائی خطاب به کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در پاریس، فرانسه

۲۳ نوامبر ۲۰۱۵

تغییرات اقلیمی مردم‌زاد اجتناب‌ناپذیر نیستند؛ این بشریت است که رابطه خود را با طبیعت انتخاب می‌کند. این موضوع، اساس کنفرانس اقلیمی پاریس ۲۰۱۵ (COP 21) را تشکیل می‌دهد که تلاش‌های صورت گرفته در آن به شیوه‌های مختلف سعی در شناسایی راه‌هایی برای اتخاذ تصمیمات بهتر دارند. نظم کنونی دنیا اغلب با طبیعت به عنوان ذخیره‌ای از منابع مادی به منظور بهره‌برداری برخورد کرده است. عواقب ناگوار این پارادایم به وضوح مشخص شده است و رابطه‌ای متوازن‌تر میان مردم جهان و کره زمین آشکارا مورد نیاز است. حال پرسش این است که چگونه الگوهای جدیدی از اقدام و تعامل، هم فردی و هم جمعی، از طریق انتخاب‌های شخصی، نظام‌های اجتماعی و موسسات حاکم می‌توان تاسیس شوند؟

با پذیرش اهداف ۲۰۳۰ توسعه پایدار سازمان ملل متحد، که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز شامل می‌شوند، شتاب لازم برای تغییری معنادار رو به افزایش است. برای نخستین بار دستیابی به یک موافقت‌نامه جهانی و از نظر قانونی الزام‌آور در خصوص انتشار کربن به نظر امکان پذیر می‌رسد. با این حال، پایداری به همان اندازه که توسط عوامل زیست‌محیطی شکل می‌گیرد توسط عوامل انسانی و اجتماعی نیز تعریف می‌شود. برای مثال ارتباط مستقیمی میان نابرابری و تخریب محیط‌زیست یافت شده است که نشان می‌دهد روابطی

^۱ ترجمه نسخه ۱.۳.۱

که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند تأثیری مستقیم بر منابع طبیعی زمین دارند. نظام‌های جهانی که بسیاری را به فقر و تنگدستی کشانده‌اند، طبیعت را نیز به شکل مشابهی ضعیف کرده‌اند.

بنابراین یک نگرش متوازن‌تر نسبت به محیط‌زیست باید شرایط انسانی را نیز همچون شرایط طبیعی با آگاهی مد نظر قرار دهد. این نگرش می‌بایست در هنجارهای اجتماعی و الگوهایی از اقدام نمود پیدا کند که عدالت و انصاف خصیصه بارز آن‌ها است. بر این بنیان است که بینشی در حال تکامل از آینده مشترکمان می‌تواند بنا شود و این بینش به نوبه خود به عنوان مکانیزمی قدرتمند برای بسیج کردن اقدامات در سراسر جهان و هماهنگ نمودن مجهودات متعدد در خطوط اقدامی متقابلاً تقویت‌کننده یکدیگر، عمل خواهند کرد.

بنیان‌هایی برای یک آگاهی جدید

جهت دادن جامعه انسانی به مسیری پایدارتر به سمت آینده، مستلزم تحول در نگرش‌ها و اقدامات است. اصلاح ساختارهای موسسات ضروری خواهد بود و در حقیقت این موضوع، تمرکز اصلی شرکت‌کنندگان در کنفرانس COP 21 است. با این حال در نهایت این مردم هستند که در هر نقش یا موقعیتی در اجتماع، سیاست‌های یک تشکیلات مرکزی را اجرا می‌کنند یا آن‌ها را نادیده می‌گیرند؛ مردم هستند که در برنامه‌های به دقت تهیه‌شده شرکت می‌کنند یا مانند قبل به الگوهای زندگی خود ادامه می‌دهند. همه ما دارای عاملیت هستیم و هیچ یک از تصمیمات ما بدون پیامد نیست. در نتیجه ایجاد الگوهای پایدار زندگی فردی و اجتماعی نه تنها نیازمند فناوری جدید است، بلکه به آگاهی جدیدی‌ای در انسان‌ها نیاز دارد که شامل درک جدیدی از خودمان و جایگاه‌مان در دنیاست.

این آگاهی از کجا برخواهد خاست؟ و اراده و انضباط شخصی لازم برای تجسم این آگاهی در شهرها و روستاهای بی‌شمار در کجا یافت خواهد شد؟ توان‌مندی فداکاری برای سعادت دیگران، اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، قانع و راضی بودن، بی‌دریغ و سخاوتمندانه بخشیدن و خصلت‌هایی از این قبیل تنها از عملگرایی صرف یا مصلحت‌اندیشی سیاست‌مآبانه ناشی نمی‌شوند؛ بلکه از درونی‌ترین منابع الهام و انگیزه انسانی سرچشمه می‌گیرند. در این خصوص ایمان - چه به تلاش‌هایی که در زمینه پایداری صورت می‌گیرد و چه به توان‌مندی نوع بشر، نقش اساسی دارد.

از موضوعات بسیار مهم، نقشی است که ایمان دینی باید ایفا کند. از ابتدای تاریخ مدون بشر، دین یکی از خصیصه‌های ویژه تمدن انسانی بوده است و شمار بسیاری را به قیام و تلاش برای سعادت دیگران واداشته است. دین در کی از وجود انسانی و توسعه به دست می‌دهد که دیده را از مسیر پر خش و خاک بلند کرده و به افق دوردست می‌کشاند. دین، آن زمان که به روح بنیانگزاران متعالی‌اش وفادار بوده است، یکی از قدرتمندترین نیروها را برای خلق الگوهای جدید و سودمند زندگی جمعی و فردی فراهم کرده است.

بنابراین دین یک منبع حیاتی از تعهد برای مواجهه با الگوهای جدید و بالقوه چالش‌برانگیز زندگی روزمره است. قابل توجه است که رهبران دینی و سازمان‌های دینی به طور فزاینده‌ای در مسائل مرتبط به محیط‌زیست و عدالت که به تغییرات اقلیمی مرتبط هستند، فعالیت می‌کنند. اما اعتقاد دینی به شکل خودکار منجر به خدمت برای خیر عموم نمی‌شود. برای مثال این امکان کاملاً وجود دارد که گروهی از مومنان با حسن نیت باشند که اقداماتشان تاثیر چندانی بر بهبود اجتماع نداشته باشد. طبیعتاً در مورد اینکه آرمان‌های متعالی چگونه در قالب اقداماتی متعهدانه و پایدار متجلی می‌شوند مسائل بسیاری برای یادگیری وجود دارد. در این خصوص، جوامع دینی را می‌توان به عنوان جوامعی مشغول اقدام دید که در آن‌ها آموزه‌های روحانی به واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شوند. در این جوامع، یک فرآیند توان‌مندسازی را می‌توان به جریان انداخت که مردم از هر پیشنهادی را قادر می‌سازد در تحول اجتماع مشارکت کنند. اینکه این فرآیند چطور در فرهنگ‌ها و زمینه‌های مختلف به پیش می‌رود، نویددهنده یک حیطه بررسی و کاوش پربار برای تمام کسانی است که در زمینه مسائل مرتبط با پایداری کار می‌کنند.

همچنین شناسایی اصول روحانی مرتبط با ریشه چالش‌های بوم‌شناختی، می‌تواند در صورت‌بندی اقدام موثر، نقش اساسی ایفا نماید. اصولی همچون اینکه نوع بشر یک قوم واحد را تشکیل می‌دهد یا اینکه عدالت، مشارکت جهانی در اقدامات توسعه پایدار را ایجاب می‌نماید، پیچیدگی‌های غامض ماهیت انسان را منعکس می‌سازند. این اصول همچنین به ایجاد اراده و انگیزه لازم برای تسهیل عملی‌سازی اقدامات کاربردی کمک می‌کنند. شناسایی اصول زیربنایی یک موضوع مشخص و تدوین اقدامات با در نظر گرفتن التزامات این اصول، یک شیوه کار است که همه - چه کسانی که در یک نقش مذهبی مشغول به کارند، و چه سران دولت‌ها، شرکت‌های بزرگ، جامعه مدنی و دیگرانی که در تدوین سیاست‌گذاری‌های عمومی دخیل هستند می‌توانند از این شیوه بهره گیرند و در آن مشارکت داشته باشند

بنیانی برای اقدام جمعی

اقدام در زمینه موضوعات مرتبط با پایداری اغلب بر پایه این احساس بنا شده که همه ما ساکنین یک سیاره هستیم. البته نقش دغدغه‌های مشترکی همچون تغییرات اقلیمی، مهاجرت فراملی، و بیماری‌های همه‌گیر جهانی نیز در این زمینه کم اهمیت نیستند، اما تحول واقعی الگوهای زندگی فردی و جمعی، نیازمند درک عمیق‌تری از بهم‌وابستگی زندگی بر زیست‌کره زمین است. مردم و محیط جنبه‌های بهم‌پیوسته یک نظام ارگانیک و یکپارچه هستند. در این برهه از تاریخ هیچ کدام را نمی‌توان در انزوا از دیگری به درستی درک نمود.

این نوع فهم، دلالت از یگانگی ارگانیک نوع بشر دارد. این مفهوم که نوع بشر یک قوم واحد را تشکیل می‌دهد، هر چند در گفتمان عامه به شکل فریبنده‌ای ساده به نظر می‌رسد، ولی دلالت‌های بی‌شماری برای تدوین اقدامات موثر در تمامی سطوح دارد. برای مثال، کنفرانس COP 21 می‌تواند به عنوان فرصتی برای پذیرش عمیق‌تر دلالت‌های عملی یگانگی نوع بشر - از جمله وظیفه تبدیل مسئولیت اخلاقی مان نسبت به یکدیگر و دنیای طبیعت به توافقات، رویکردها و نقشه‌های عملی محسوس - دیده شود.

آگاهی عمیق و غنی نسبت به یگانگی نوع بشر، تنها راه غلبه بر موانعی است که دوگانگی‌هایی همچون فقیر/غنی، جنوب/شمال، و توسعه یافته/در حال توسعه ایجاد می‌کنند. نام‌گذاری‌هایی از این نوع بی‌پایه نیستند چرا که بعضی کشورها به واقع منابع مالی بیشتری از دیگران دارند. اما در عین حال که چنین واقعیاتی را نمی‌توان انکار کرد، نباید به آن‌ها اجازه داد که اقدام سازنده را فلج کنند. بلکه این واقعیات باید جزئی از این چشم‌انداز شوند که جهانی یکپارچه، پایدار و مرفه توسط «ما» که با «آن‌ها» کار می‌کنیم بنا نمی‌شود، بلکه توسط همه ما که برای همه انسان‌ها کار می‌کنیم ساخته می‌شود.

اصل یگانگی نوع بشر، ارتباط قوی میان ارتقای بهروزی مردم و معکوس کردن روند تخریب محیط‌زیست را برجسته می‌کند. حقیقت این است که ردپای بوم‌شناختی^۲ بعضی مناطق بسیار بیشتر از سایر نواحی است. این واقعیاتی است که باید از طریق انتخاب داوطلبانه و همچنین قوانین دولتی به آن رسیدگی شود. اما موضوع دیگری که به همین اندازه اهمیت دارد این است که چگونه می‌توان میلیاردها انسان را به نحوی از فقر خارج کرد که نه تنها زیان‌ها به محیط‌زیست را کاهش دهد، بلکه به شکل فعالانه‌ای آن را بهبود بخشد. توجه به نیازهای اجتماعی در متن نیازهای محیط‌زیستی، جوابگوی الزامات اخلاقی مبرم تغییرات اقلیمی خواهد بود. اما منطقی چنین تفکری بسیار

² Ecological footprint

عملگرایانه نیز هست چرا که تغییرات اقلیمی نیازمند اقدام فوری است و هرچه قدم‌ها سریع‌تر برداشته شوند سودمندتر خواهد بود.

تلاش‌هایی از این قبیل، به همان میزانی که تا به حال کسب سود مورد ارزش بوده است، بنیانی برای ارج نهادن به انسان‌ها و کره زمین بنا می‌نهند. امروزه این موضوع در سطح وسیعی تصدیق می‌شود که در اغلب موارد تعقیب مُصرانه و منحصرانه منفعت مالی به تخریب نظام‌های طبیعی و نابودی زندگی انسانی انجامیده است. این میراث تردیدهای عمیقی دربارهٔ نقشی که شرکت‌های بزرگ و نیروهای بازار باید در اقدامات توسعهٔ پایدار ایفا نمایند به جا گذاشته است. چنین پرسش‌هایی پیچیده هستند و جواب ساده‌ای ندارند. اما آنچه ضروری به نظر می‌رسد این است که اقدامات خالصانه در قالب یک تلاش جهانی عادلانه ادغام شوند، تلاشی که از تمامی شکل‌های محرومیت که به تعارض، دشمنی، حس تدافع، و بی‌اعتمادی دامن می‌زند، به دور باشد.

نوسازی رابطه‌ها برای یک سیارهٔ پایدار

اصل یگانگی نوع بشر دلالت‌هایی برای روابط در تمام سطوح دارد. انتخاب‌های فردی و اقدامات دولتی اغلب بطور نامحسوسی در تضاد با یکدیگر قرار داده می‌شوند و این طور به نظر می‌رسد که یکی از آن‌ها باید بر دیگری ارجحیت یابد. مسلم است که در واقعیت به هر دوی آن‌ها نیاز است. چنانچه افراد سبک زندگی و رفتارهای پایدارتری اتخاذ نکنند، توافقات و معاهدات دولتی کافی نخواهند بود. به همین نحو، اقدامات فردی از قبیل صرفه‌جویی در آب و کاهش زباله، چنانچه با تغییرات ساختاری لازم از طرف دولت‌ها همراه نباشند کافی نخواهند بود. همچنین جامعه، به عنوان یک واحد متمایز تمدن با خصوصیات و توانمندی‌های منحصر به خود، نقشی یگانه و حیاتی دارد که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. برای حصول پیشرفتی بلند مدت، افزایش یکپارچگی بین این سه سطح مورد نیاز است.

این موضوع در عمل به چه شکل خواهد بود؟ عادت‌های مصرفی مثال سودمندی در این زمینه به دست می‌دهند. برای مثال ممکن است که مردم پذیرای ایدهٔ بازیافت باشند اما در مناطقی زندگی کنند که خدماتی مانند مراکز تحویل زباله یا کمپوست محلی وجود نداشته باشد. بدین ترتیب بدون حمایت مناسب از سمت دولت، امکان بالقوهٔ تغییر فردی به شدت محدود است. اقدام سازمانی برای ایجاد محیطی توان‌بخش مورد نیاز است. دولت نقشی حیاتی در تصویب سیاست‌ها، قوانین، و مقرراتی دارد که برای حمایت از اقدامات و رفتار مطلوب، لازم هستند.

اما این چارچوب تنها صحنه را آماده می‌کند. چرا که در نهایت این افراد هستند که یا ابتکار را برای پذیرش الگوهای جدید عمل به دست می‌گیرند و یا مثل سابق امور را ادامه می‌دهند. بنابراین رفتار انسانی و تصمیم‌گیری شخصی در موفقیت اقدامات مرتبط با پایداری، به خصوص در عرصه ارزش‌ها، وجدانیات و اصول اخلاقی بسیار مهم هستند. چنین خصلت‌هایی ممکن است پراکنده و تا حدی «نرم» به نظر برسند، اما اگر محرک‌های هنجاربنیاد رفتار، مانند نگرش‌ها و عقاید تغییر پیدا نکنند، تغییر در سبک زندگی ادامه‌دار نخواهد بود. اگر کسب و انباشت مستمر اجناس تجملی به عنوان نماد بارز موفقیت و اعتبار دیده شوند، عادت‌های مصرفی تغییر نخواهند کرد. بنابراین ایجاد الگوهای پایدارتر زندگی نیازمند گفتگوی مداوم درباره ماهیت انسان و پیش‌نیازهای بهروزی و سعادت است.

این گفتگوها چگونه به وجود خواهند آمد؟ در این مسیر دولت‌ها می‌توانند از طریق اقدامات آموزشی و تلاش برای ایجاد تعهد در بین ذی‌النفعا سهم ایفا کنند. اما جامعه نقشی حیاتی در ایجاد امکان گفتگو درباره انتخاب‌ها و رفتارها دارد. آیا اعمال سیاست‌های شهری یا استانی در زمینه صرفه‌جویی آب پیشرفت در نظر گرفته می‌شود یا دردسری غیرضروری؟ آیا تصمیمات جمعی درباره زیرساخت‌ها بر پایه بینش مشترکی از آینده استوار هستند یا اینکه افراد غالباً به منفعت خود فکر می‌کنند؟ آن دسته خصلت‌های فرهنگی که الهام‌بخش چنین پرسش‌هایی هستند در متن جامعه ایجاد می‌شوند. جامعه می‌تواند میدانی را فراهم آورد که در آن شرکت کنندگان، پیشینه‌ها، استعدادها و اقدامات متنوع برای حصول تغییر و پیشرفت گرد هم آیند. جامعه همچنین فضایی اساسی را فراهم می‌کند که در آن بر سر اهداف و مقاصد مشترک می‌تواند توافق حاصل شود و بینش مشترکی از آینده می‌تواند میان مردم شکل گیرد. فهرست رو به افزایش شهرهایی که توانسته‌اند اقدامات به مراتب موثرتری از دولت ملی خود در زمینه مسائل اقلیمی ترتیب دهند تنها یک نمونه از قدرت نهفته در جامعه برای تعقیب اهداف مشترک از طریق اقدامات سازمان یافته و هماهنگ است.

جستجوی الگوهای جدید تعامل میان بازیگران اجتماع، مانند افراد و موسسات، در ساخت روابط پایدارتر با جهان طبیعت و میان بخش‌های مختلف خانواده جهانی نقشی محوری خواهد داشت. پرداختن به مسئله تغییرات جهانی آب و هوا نهایتاً حول هدف فراهم کردن یک زندگی خوب برای انسان می‌گردد، هدفی که مردمان و فرهنگ‌های سراسر جهان آن را گرامی می‌دارند و در نتیجه می‌تواند یک نقطه وحدت قوی برای حمایت از کار

پیش رو محسوب گردد. اطمینان داریم که تلاش‌های حاضرین در کنفرانس COP 21 بنیان مستحکمی برای تحقق هر چه موثرتر رفاه و سعادت بشری در این نسل و نسل‌های آینده فراهم خواهد کرد.